رخداد

قتل در پی دوستی پنهانی

■ **شرق:** رییس اداره اطلاع‌رسانی پلیس همدان قتل مشکوک دختر جوان را نتیجه دوستی پنهان خیابانی عنوان کرد. سرهنگ محسن اقبالیان گفت: ماموران بامداد چهارم شهریور سال‌جاری در پی اعلام گزارشی مبنی بر کشف جسد در یکی از محورهای روستایی، بررسی صحت و سقم موضوع را در دستور کار قرار دادند. وی خاطرنشان کرد: با حضور عوامل گشت و کشف جسد دختری مجهول‌الهویه با سن تقریبی ۲۰ساله، مراتب به مقام قضایی اعلام شد. سرهنگ اقبالیان افزود: در این راستا اقدامات اولیه انتظامی از جمله بررسی صحنه جرم توسط عوامل پلیس آگاهی، شناسایی جسد و تشخیص هویت آن، حضور قاضی در محل و انتقال جسد به پزشکی قانونی برای شناسایی دقیق علت مرگ انجام پذیرفت. وی تصریح کرد: با انجام تحقیقات میدانی در محل و استعلامات انجام‌شده و رصد برخی اخبار مرتبط، هویت جسد، علت مرگ، اولیای دم و قاتل شناسایی شدند و پیگیری موضوع با تشکیل اکیپ ویژه‌ای ادامه یافت. رییس اداره اطلاع‌رسانی پلیس همدان با اشاره به اینکه شگردهای پلیسی و مدارک موجود در صحنه باعث شد تا تلاش ماموران انتظامی به نتیجه برسد، اظهار کرد: راز جنایت برملا و مشخص شد قتل توسط فردی که با متوفی دوست بود صورت گرفته است. سرهنگ اقبالیان یادآور شد: متهم به قتل که ۲۴ سال دارد و متاهل است بعد از تحقیقات پلیس متهم به جرم خود اعتراف و علت قتل دختر جوان را برقراری رابطه پنهانی عنوان کرد.

زلزله در خراسان‌جنوبی

■ **مهر:** زلزله در خراسان‌جنوبی تلفات و خسارتی در پی نداشت. پنج زلزله بامداد دیروز شهرهای خراسان‌جنوبی، خراسان‌رضوی، آذربایجان‌شرقی، سیستان و بلوچستان، کرمان و بوشهر را لرزاند. بر اساس اعلام مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران، بزرگ‌ترین زلزله دیروز با مقیاس ۵ و ۲ دهم ریشتر شهر زهان از توابع خراسان‌جنوبی را لرزاند. محمود مظفر رییس سازمان امداد و نجات هلال‌احمر با بیان اینکه این زلزله در زهان و حاجی‌آباد از توابع خراسان‌جنوبی رخ داد، گفت: سه تیم ارزیابی به مناطق اعزام شدند، وضعیت ۱۰ روستا را بررسی کردند و هیچ‌گونه خسارت مالی و جانی گزارش نشده است.

قاتل وکیل آبادانی محاکمه شد

■ **شرق:** مردی که وکیل خود را در بازار آبادان و در ملاءعام با شلیک گلوله به قتل رسانده بود در شعبه ۱۶ دادگاه کیفری استان خوزستان محاکمه شد. نماینده دادستان اهواز در ابتدای این جلسه گفت: «در تاریخ ۲۵تیر وقوع قتل در بازار جمهوری آبادان به ماموران انتظامی گزارش شد. ماموران پس از حضور در محل، جسد فرهاد اسماعیلی‌فر را کشف و همان‌جا قاتل را دستگیر کردند. در بازرسی‌های ابتدایی از صحنه ارتکاب جنایت، یک قبضه اسلحه کمری و یک قبضه چاقو از متهم کشف شد. اکنون من از محضر دادگاه رسیدگی و صدور حکم شایسته را خواستارم.» در ادامه مادر مقتول خواستار قصاص قاتل شد و همسر مقتول نیز گفت: «با توجه به اینکه متهم در ملاءعام و با قساوت قلب به مقتول هجوم برده و با چاقو و اسلحه اقدام به قتل کرده است، زبان از بیان خواسته‌ها قاصر است و خواهشمندم آنچه شایسته است در حق قاتل انجام گیرد. فرزندانم نیز تقاضای قصاص قاتل در ملاءعام و در همان صحنه ارتکاب جرم را دارند.» در ادامه جلسه، متهم به جایگاه فراخوانده شد و با قبول اتهامش گفت: در ارتکاب این جرم از قبل نقشه‌ای را طراحی نکرده بودم. من به عنوان موکل به دفتر مقتول مراجعه کردم. پس از چند بار مراجعه به دفترش، به من می‌گفت وقت ندارم. در شب وقوع حادثه به دفتر وکیلم مراجعه و از او خواهش کردم که اجازه ندهد من به زندان بروم ولی او در جواب من، توهین کرد. این کار او شایسته نبود. او در راه‌پله دفترش کاری را که نباید انجام می‌داد، انجام داد. وی ادامه داد: من در ارتکاب این قتل، از قبل انگیزه‌ای نداشتم و نمی‌دانم چگونه این حادثه رخ داد. وکیل من برگه‌هایی به من داد تا امضا کنم و بعد از آن گفت که این برگه‌ها را گم کرده است و موجب آزاد شدن کلاهبردار طرف‌حساب من شد. وکیل از من تقاضای بخشش کرد و این تقاضای بخشش حتما در قبال انجام کاری از سوی او بود. متهم در پاسخ به سوال رییس دادگاه مبنی‌بر اینکه «اگر قصد قبلی برای قتل نداشتی، چرا چاقو و سلاح گرم با خود حمل می‌کردی؟» گفت: من از طرف برخی افراد مورد تهدید بودم. همچنین من در مسافرخانه اقامت داشتم و نمی‌توانستم کیف و اسلحه‌ام را در آنجا بگذارم. وی در پاسخ به سوال دیگری مبنی‌بر اینکه «چرا پس از وارد کردن ضربات چاقو به مقتول و التماس وی، باز هم به اقدامات خود ادامه دادی و با شلیک گلوله، مقتول را به قتل رساندی و چه چیزی موجب عصبانیت و نفرت تو از وکیل شده بود؟» اظهار کرد: وکیل نباید با همدستی دیگران به موکل خود ضرر برساند. رییس دادگاه خطاب به متهم گفت: می‌توانستی وکیل خود را عزل کنی. چرا این کار را نکردی؟ متهم پاسخ داد: مقتول همیشه حرف‌های مرا قبول می‌کرد و به من پاسخ مثبت می‌داد ولی در عمل، عکس آن را انجام می‌داد. بنا بر این گزارش پس از دفاعیات متهم جلسه دادگاه به پایان رسید.

واژگونی مرگبار اتوبوس زایران در شیراز

■ تعداد قربانیان ۱۹ تا ۲۴ نفر اعلام شد

اتوبوس حامل زایران کربلا در جاده شیراز واژگون شد و مسافرانش را به کام مرگ کشاند. تعداد کشته‌ها بین ۱۹ تا ۲۴ نفر اعلام شده است. «سرهنگ رضا سلبی» رییس مرکز فرماندهی و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا به ایسنا گفت: اتوبوس ولوو که حامل زایران کربلا به مقصد بندرعباس بود، ساعت ۳:۵۳ بامداد دیروز در ۴۵ کیلومتری شیراز، ۴ کیلومتر بعد از پلیس‌راه واژگون و سبب مرگ ۲۰ نفر در دم و جراحت ۲۳ نفر دیگر شد. وی با بیان اینکه این کاروان زیارتی حامل ۴۴ مسافر بود، خاطرنشان کرد: بررسی‌های اولیه کارشناسان بیانگر این است که راننده این اتوبوس به دلیل ناآشنایی با جاده در سراشیبی، سرعت مطمئنه را رعایت نکرد و دچار حادثه شد. سلبی اضافه کرد: زایران این اتوبوس روز سوم شهریور ماه عازم کربلا شده بودند و پس از بازگشت از مرز شلمچه، در مسیر بندرعباس دچار این حادثه شدند. در همین حال مدیر کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان حج و زیارت به مهر گفت: در اثر واژگونی اتوبوس ۲۴ نفر از زایران جان خود را از دست دادند و حدود ۲۰ نفر از مجروحان این حادثه نیز در بیمارستان‌های شهید نمازی و رجایی شیراز بستری شدند. وی با اشاره به اینکه علت حادثه هنوز مشخص نشده است، گفت: سازمان حج و امور عتبات عالیات سازمان مشغول بررسی و پیگیری این حادثه است و تمامی اقدامات لازم را برای این زایران انجام خواهد داد. آریا حجازی مدیرکل پزشکی قانونی استان فارس نیز به خبرگزاری فارس خبر داد اجساد ۱۹ نفر که در این حادثه جان باختند به این سازمان تحویل داده و ۸ جسد شناسایی و اسامی آنان مشخص شده است. سرهنگ محمدرضا مهماندار، فرمانده پلیس راه نیز به مهر گفت: براساس نظر اولیه تیم‌های کارشناسی در این حادثه راننده اتوبوس ۵۰درصد و جاده نیز به‌علت مشکلات مهندسی ۵۰درصد مقصر شناخته شدند.وی افزود: بارها در این جاده شاهد وقوع تصادفات مرگبار بودیم به گونه‌ای که سه ساعت قبل از وقوع حادثه برای اتوبوس پنج سرنشین یک پراید در همین جاده به‌علت تصادف با تریلر جان خود را از دست دادند. اسدالله جولایی مدیرعامل ستاد دیه کشور روز شنبه اعلام کرده بود ایران رتبه اول دنیا در تعداد کشته‌ها و مجروحان حوادث رانندگی را دارد.

محاکمه بی‌نتیجه قدیمی‌ترین زن متهم به قتل

■ شاهد پرونده مدعی شد چیزی به یاد ندارد

شرق: جلسه محاکمه قدیمی‌ترین زن متهم به قتل ایران بار دیگر بدون حصول نتیجه به پایان رسید و فاطمه مطیع به زندان بازگردانده شد. «فاطمه» که از سال ۷۲ به قتل متهم شده است ادعای بیگناهی دارد اما اولیای دم مقتول با گناهکار خواندن وی خواستار صدور حکم قصاص هستند. این پرونده با کشف جنازه مردی به نام مجید به جریان افتاد و فاطمه که از اقوام متوفی بود بعد از دستگیری اعتراف کرد با کشاندن مجید به خانه‌اش وی را با مرگ موشی که در دوغ ریخته بود مسموم کرد و کشت. فاطمه در مراحل بعدی تحقیقات اتهام قتل را انکار کرد و گفت چون شوهرش وعده داده بود برای وی رضایت بگیرد قتل را گردن گرفت. فاطمه در این مدت سه بار به قصاص محکوم و یک مرتبه تبرئه شده اما هر دفعه دیوانعالی کشور آرای صادره را نپذیرفت. به همین سبب پرونده فاطمه برای دور پنجم در دادگاه عمومی شهرری به جریان افتاد و پنج مرتبه برای محاکمه این زن وقت تعیین شد اما هر بار به دلیلی جلسه دادگاه به تعویق افتاد تا اینکه بالاخره دیروز رییس دادگاه شرایط را برای برگزاری محاکمه مهیا دید. در این جلسه فقط یکی از شهود حضور داشت که او نیز نتوانست کمکی به باز شدن گره معما کند. این زن به قاضی گفت: «من هیچ چیزی از آن ماجرا یادم نمی‌آید و هرچه قبلا گفتم همان‌ها را به عنوان شهادت من محسوب کنید.»در این هنگام عبدالصمد خرمشاهی –وکیل مدافع فاطمه-به قاضی پرونده گفت در این پرونده چهار شاهد وجود دارد و آنها باید همزمان در دادگاه حضور داشته باشند تا اظهارات‌شان استماع شود. رییس دادگاه بعد از وارد شدن این ایراد از سوی وکیل متهم، ختم جلسه را اعلام کرد و فاطمه مطیع بار دیگر بدون هیچ نتیجه‌ای به زندان بازگشت تا در جلسه‌ای دیگر درباره پرونده وی تصمیم‌گیری شود. این درحالی است که ابهامات پرونده هنوز برطرف نشده است. یکی از گره‌های اصلی درباره نوع سمی است که مجید با آن به‌قتل رسیده و گزارش پزشکی قانونی ادعاهای اولیه فاطمه را مبنی بر استفاده از مرگ‌موش تایید نمی‌کند.

گفت‌وگو با زنی که قربانی اسیدپاشی شد

مرگ را ترجیح می‌دهم

شرق: زنی ۳۰ ساله که ۶ سال قبل قربانی اسیدپاشی مرموز شد هنوز روزهای سختی را می‌گذراند. او بینایی خود را از دست داده و برای ادامه درمان خود مشکلات متعددی دارد. این زن در گفت‌وگو با «شرق» ماجرا را بازگو کرده است. او البته حاضر نیست نام و مشخصاتش منتشر شود و می‌گوید نمی‌خواهد شناسایی شود.

اسیدپاشی چگونه اتفاق افتاد؟

شش سال پیش یک روز پاییزی، یادم می‌آید ماه رمضان بود و من هم باردار بودم. حدود ظهر، ناهار درست کرده و منتظر بچه‌هایم بودم که از مدرسه بیایند. تلفن زنگ خورد ولی کسی جواب نداد و قطع کرد. مدت کوتاهی بعد از اینکه بچه‌ها از راه رسیدند این بار آیفون زنگ زد، وقتی آیفون را برداشتم فردی که پشت در بود از من خواست جلوی در بروم. آفتاب در زاویه‌ای بود که مستقیم به چشم من می‌خورد و مانع آن بود که راحت به مقابلم نگاه کنم. وقتی دم در رفتم مردی را دیدم که لاغراندام و سبزه بود و کلاه کاسکت داشت. هنوز داشتم سلام می‌کردم که ناگهان احساس کردم مایعی به صورتم پاشیده شد. در لحظه اول فکر کردم یک شوخی است و یکی از آشنایان آب به صورتم پاشیده است اما پس از گذشت چند لحظه متوجه سوزش شدم. با عجله در را بستم و به سمت حیاط دویدم و صورتم را زیر آب گرفتم. من صورت مهاجم را ندیده بودم، فقط یادم است او استخوانی و سبزه بود، کمربند منجوق‌دوزی شده داشت و کفش نوک‌تیز پوشیده بود و یک بلوز رنگ و رو رفته به تن داشت.

الان متهم کجاست؟

اصلا نمی‌دانم او با موتور فرار کرد و به دلیل رسیدگی ناقص قضایی و پلیسی هیچ‌وقت دستگیر نشد.

پس انگیزه هم هنوز نامعلوم است.

من هم از این تعجب دارم که این اتفاق با چه انگیزه‌ای رخ داد. نه خودم دشمنی داشتم و نه شوهرم، اصلا نمی‌دانم ماجرا از کجا آب خورده است.

روند قضایی رسیدگی به پرونده‌ات در این سال‌ها چطور بود؟

در رسیدگی به شکایت من کوتاهی کردند. من یک ماه پس از این اتفاق در حالی که صورتم زخمی بود دنبال کارم رفتم، البته خانواده‌ام شکایتی طرح کرده بودند که پس از بهبود نسبی خودم هم پیگیر آن بودم اما تنها جوابی که به ما دادند این بود که طرف فرار کرده است و ما از کجا باید او را پیدا کنیم. وقتی هم که پیش قاضی رفتم او دوباره پرونده را به تجسس فرستاد. در این مرحله بود که من مظنونانی را معرفی کردم اما در مراجعه‌های بعدی گفتند آنها قسم‌خورده و رفع اتهام شده‌اند.

میزان صدمات چقدر بود؟

دو چشمم و بخش‌های زیادی از بدنم کامل سوخته بود و حتی کف دست‌هایم از بین رفته بود. یکی از پلک‌هایم به قدری آسیب دیده بود که هنوز هم ترمیم نشده است. پزشکان ایرانی خیلی هم برای ترمیم آن تلاش کردند، اما به جایی نرسید. بیمارستان شهرمان هم اصلا خوب نبود، بعدا متوجه شدم اگر در اولین مراجعه‌ام به بیمارستان صورت و چشم‌هایم را خوب شست‌وشو می‌دادند احتمال این وجود داشت که چشمانم را از دست ندهم. همینطور فهمیدم پرستارهای بیمارستان در مورد اسید و نحوه درمان فردی که قربانی اسیدپاشی شده است اطلاعات زیادی ندارند و همین باعث شد که من چشمانم را از دست بدهم. در دو روز اول کاری برای من نکردند و فقط پماد مالیدند. پس از آن چشمم را معاینه کردند و مشخص شد اسید هفت هشت سوراخ در چشمم ایجاد کرده است. البته خود من هم نمی‌دانستم اسید چه معنی‌ای دارد و حتی اسم آن هم به گوشم نخورده بود. از طرفی وقتی من را به بیمارستان بردند نگفتم باردار هستم و وقتی پزشکان فهمیدند تشخیص دادند نگه داشتن بچه برای من و او خطرناک است.

وضع جسمانی‌ات در حال حاضر چطور است؟

در این سال‌ها بیشتر از ۱۲۰ بار عمل جراحی انجام داده‌ام حتی از خورد و خوراکم زدم تا هزینه جراحی‌ها را تامین کنم. پیش بهترین پزشکان تهران عمل کردم اما می‌گویند هرجای دنیا بروی همین است و دیدت بهتر نمی‌شود. از وضع صورتم راضی هستم، فقط به خاطر بچه‌هایم می‌خواهم دو متر دید داشته باشم. البته باید بگویم سه سال پیش دید بهتری داشتم. دکتر داخلی، قلب و عروق و گوارش هم همه از من راضی هستند. البته تاجایی که بتوانم سعی می‌کنم پیش دکتر نروم چون ویزیتشان گران است.

عکس: آیدین رهبر، شرق

الان چه خواسته‌ای داری؟

من خودم را یکی از افراد طبقه پایین جامعه می‌دانم، معمولا وقتی با دوستانم صحبت می‌کنم به من می‌گویند حق به حقدار می‌رسد، اما منی که حتی عینک هم نمی‌زدم الان شش سال است که حتی یک متری خودم را هم نمی‌توانم ببینم. چه کسی حق من را می‌دهد؟

شغل قبلی‌ات چه بود و الان چه می‌کنی؟

من قبل از این حادثه در کار خدمات کامپیوتر بودم، شش ترم فتوشاپ گذراندم تا موفق شدم در یک دفتر خدماتی مشغول شوم، اما الان دیگر دیدی ندارم که بتوانم کار کنم.

امکانات درمانی مناسب برایت وجود دارد؟

نه اصلا امکانات خوبی وجود ندارد. سه سال قبل، پیش دکتری رفتم تا پلکم را ترمیم کند، قرار شد پنج سانت در پنج سانت از پشت بازویم پوست بردارد و پلکم را ترمیم کند. آن موقع وضعم عادی بود و عمل واقعا سختی برای من بود چون بیهوشی داشت. پس از مدتی متوجه شدم پوست بین دو پلکم را به هم دوخت و بعد از دوماه تغییر زیادی ایجاد نشد. هرچه به او گفتم شما به من قول داده بودی برایم پلک درست کنی، او گفت بهتر از این ممکن نیست، خلاصه کلی هزینه کردم و چیزی که قرار بود بشود اتفاق نیفتاد، هنوز هم مدارک آن را دارم. بعد از آن دیگر پیش آن دکتر نرفتم، اینها را گفتم که بگویم در اینجا امکان درمان من وجود ندارد. خارج از کشور هم کسی را ندارم که با اتکا به او برای درمان به خارج بروم، یک زن تنها چطور می‌تواند برای درمان برود؟ در چند کشور اروپایی مانند اسپانیا، سوئد، فرانسه و انگلستان درمانم را بهتر می‌توانم پیگیری کنم. حقیقت این است که سرمایه ندارم، البته اگر مطمئن بودم که در خارج از کشور صددرصد درمان می‌شوم و کسی را آنجا داشتم از برادرم می‌خواستم که خانه‌اش را بفروشد و مخارج من را تامین کند اما حیف که این امکانات فراهم نیست. از طرفی استرس هم روی روند درمان چشم بسیار تاثیرگذار است و من نمی‌خواهم برادرم را از خانه‌اش بیرون کنم، آخر سر هم ندانم چه چیز در انتظارم است.

اگر متهم دستگیر شود با او چه برخوردی می‌کنی؟

اول از همه دلیل این کار را از او می‌پرسم، چون بعد این همه سال هنوز دلیل این کار را نمی‌دانم و به همین خاطر ناراحتم. بعد هم قصاص می‌کنم. چشم من تخلیه شده و دیگر برنمی‌گردد. با دیه کاری برای چشمم نمی‌توانم بکنم اما اگر تضمین کند همه هزینه‌های درمانم را تامین و ظرف یکی دو سال یا حتی چهار سال کاری می‌کند که بتوانم دید نسبی داشته باشم، او را قصاص نمی‌کنم.

چه آرزوهایی داشتی که با این اتفاق به باد رفت؟

اگر بخواهم آرزوهایی را که داشتم بگویم خیلی زیاد است، بیشتر از هر چیز نگران بچه‌هایم هستم و اینکه در آینده چه شرایطی خواهیم داشت اما دو هفته بعد از زمانی که این اتفاق افتاد، قرار بود با خانواده به سوریه بروم، همه کارها را انجام داده بودیم، پاسپورت گرفته و بلیت هم آماده کرده بودم. این اتفاق که افتاد اولین آرزویی که بر باد رفت این سفر بود. البته بعد از آن هم آرزوهای زیادی دارم که با این اتفاق بر باد رفته است، اما با این وجود یکی از آرزوهایم این است که بچه‌هایم موفق باشند که به این آرزو رسیده‌ام و فرزندانم المپیادی هستند.

فکر می‌کنی قتل فجیع‌تر است یا اسیدپاشی؟

فکر می‌کنم اگر می‌مردم راحت‌تر بودم، مرگ اتفاقی است که اول و آخر برای هرکسی پیش می‌آید اگر می‌مردم نه خودم مکافات می‌کشیدم و نه اطرافیانم. میزان صدمات و تغییرات ایجاد شده در چهره‌ام به حدی است که خودم ترجیح می‌دهم به خانه خواهر و برادرم نروم، چون هر وقت من را می‌بینند شکنجه می‌شوند. هر وقت مادر و پدرم یا خواهر و برادرم به خانه ما می‌آیند غیرممکن است بدون اشک از خانه ما بروند.

الان چه آرزویی داری؟

آرزوی من این است که خدا کمک کند و در آینده چشمم را عمل کنم و دو متر دید داشته باشم. البته یک‌بار چشم راستم را در بیمارستان لبافی‌نژاد پیوند زدم اما پیوند خراب شده بود.

چرا نمی‌خواهی اسمت فاش شود؟

به هر حال من خانواده دارم و بچه، آدم‌های مجرد راحت‌تر با موضوع کنار می‌آیند، من باید به فکر حفظ خانواده‌ام هم باشم، توضیحات کامل را برای شما گفتم، من در کمک‌هایی هم که هر فرد خیری پس از خواندن این مصاحبه خواست به من بکند اصرار دارم که هویتم فاش نشود، اما اگر کسی پیدا شد که خواست کمک کند خودم می‌آیم تا او مرا ببیند. من آبرو دارم و حاضرم هر شب نان و پنیر بخورم اما نمی‌خواهم دستم جلوی مردم دراز باشد.

معافیت به قیمت تیغ جراحی

شرق: پسر جوانی بدون اینکه مشکل جسمانی داشته باشد برای معافیت از سربازی خودش را به تیغ جراحی سپرد. در پی مراجعه فردی به هویت «احسان» به پلیس آگاهی اصفهان و بیان مطلبی مبنی بر ایجاد ضایعه ستون فقرات که به‌طور عمد توسط پزشک جراح ایجاد شده بود، رسیدگی به این مطلب به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. کارآگاهان در بازجویی صورت‌گرفته از شاکی به این نکته پی بردند که احسان از انجام خدمت سربازی هراسان و از تمکن مالی خوبی برخوردار و حاضر به پرداخت هر مبلغی برای معافیت بود. در جریان تحقیقات فاش شد احسان در یکی از مجالس با یکی از دوستانش به‌نام حمیدرضا برخورد کرد و مساله خدمت سربازی‌اش را با او در میان گذاشت. حمیدرضا پزشک جراح مغز و اعصابی را به او معرفی کرد که در قبال انجام عمل جراحی سطحی روی ستون فقرات مبلغ ۱۴میلیون تومان می‌گرفت و او می‌توانست با مراجعه به کمسیون پزشکی کفالت پزشکی بگیرد. احسان این پیشنهادش را پذیرفت و با پرداخت ۱۴میلیون تحت عمل جراحی ستون فقرات قرار گرفت و کارت معافیت را دریافت کرد ولی پس از یک سال درد شدیدی در ناحیه ستون فقرات به سراغش می‌آمد تا حدی که طاقتش تمام شد و از پزشک جراحش به خاطر ایجاد ضایعه ستون فقرات شکایت کرد. ماموران بعد از اطلاع از این جزییات ابتدا حمیدرضا را بازداشت کردند و او به ۱۴ فقره کلاهبرداری و اخذ مبالغ ۱۲ تا ۱۴میلیون از هر نفر اعتراف کرد. با تکمیل شدن روند انجام تحقیقات و اقاریر صریح متهمان هر دو نفر به مقام قضایی معرفی و با صدور قراری روانه زندان شدند.

پنج قاره

خودسوزی در پی ناکامی در امتحان رانندگی

■ **دیلی‌میل:** زن اسکاتلندی به دلیل قبول‌نشدن در امتحان رانندگی خود را آتش زد. این زن پس از اینکه برای مرتبه چهارم در امتحان رانندگی پذیرفته نشد با آتش‌کشیدن خود اقدام به خودکشی کرد. پلیس اسکاتلند در توضیح این حادثه اعلام‌کرد: این زن پس از اینکه همسرش خانه را ترک کرد تصمیم گرفت به زندگی‌اش پایان بدهد به همین دلیل پس از نوشتن نامه خودکشی خود را به آتش کشید. همسایه‌های این زن با دیدن شعله‌های آتش از ساختمان محل سکونت او بلافاصله با نیروهای آتش‌نشان تماس گرفتند و بدن نیمه جان او را که از ناحیه صورت، دست و کمر دچار سوختگی شده بود به بیمارستان منتقل کردند. پلیس اسکاتلند با اعلام اینکه این زن از وضعیت جسمانی مساعد برخوردار است، تصریح کرد: پزشکان پس از انجام بررسی‌های لازم سلامت روان او را تایید کردند.

دستگیری رباینده دختر ۷ساله

■ **یونایتدپرس:** مردی در کره‌جنوبی به اتهام آدم‌ربایی و تجاوز به کودکی هفت‌ساله دستگیر شد. پلیس کره‌جنوبی پس از اینکه از این آدم‌ربایی باخبر شد جست‌وجوها و تحقیقات خود را برای هرچه سریع‌تر یافتن این کودک آغاز کرد و پس از گذشت چند روز توانست متهم را که در نزدیکی منزل قربانی سکونت داشت، دستگیر کند. بنابر اعلام پلیس، این مرد ۲۳ساله پس از دستگیری اتهامات وارد شده را تایید کرد و گفت: زمانی که این دختر را ربودم موادالکلی مصرف کرده بودم و روی رفتارم هیچ کنترلی نداشتم و ناخواسته دست به این کار زدم. پلیس کره‌جنوبی پس از نجات یافتن این دختر او را برای درمان به بیمارستان منتقل کرد.

مادر کودکش را وادار به سرقت می‌کرد

■ **دیلی‌میل:** پلیس آمریکا از دستگیری زنی خبر داد که فرزندش را مجبور به سرقت از خانه‌ها می‌کرد. بنابر اعلام پلیس محلی منطقه «لین وود» واشنگتن، این زن که به موادمخدر اعتیاد دارد پسر ۱۰ساله‌اش را مجبور می‌کرد، دست به سرقت بزند تا هزینه خرید موادمخدرش را تامین کند. سخنگوی پلیس محلی «لین وود» گفت: با مشاهده تصاویر ثبت شده در دوربین‌های محل سرقت متوجه حرکات مشکوک این مادر و پسر شدیم و پس از بررسی‌های بیشتر این پسر را در تلاش برای واردشدن به داخل خانه مشاهده کردیم. پلیس «لین وود» پس از شناسایی این کودک محل زندگی او را پیدا و بازجویی از او و خانواده‌اش را آغاز کرد. این زن که مادر چهار کودک است به اتهام اعتیاد به موادمخدر و وادار ساختن فرزندش به سرقت دستگیر شد.

دریچه

تصادف کامیونت بدون راننده

شرق: خودرو کامیونت شهری ویژه حمل اثاثیه به دلیل نامعلوم پس از به حرکت در آمدن در شیب تند خیابان الوند واقع در میدان آرژانتین با دو عابر و هشت دستگاه خودروهای سواری پارک شده برخورد کرد و در نهایت پس از برخورد با داربست ساختمان در حال ساخت متوقف شد. در این حادثه که ساعت ۱۷:۴۰ شنبه رخ داد، دو عابر پیاده به شدت مصدوم شدند و خودروها نیز خسارت سنگینی دیدند. علت این حادثه توسط عوامل راهنمایی و رانندگی در دست بررسی است.

عکس: مسلم مویدی

حادثه‌ها

قتل در مسعودیه دستگیری در شهرری

■ **ایسنا:** فردی که اردیبهشت سال‌جاری با شلیک گلوله مردی ۴۵ساله را از پای درآورده بود، دستگیر و با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس ویژه قتل تهران روانه زندان شد. ساعت ۱۴ روز نهم اردیبشهت اهالی خیابان شیرازی در محله مسعودیه تهران از طریق تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ وقوع درگیری و صدای شلیک گلوله در یک واحد آپارتمانی را گزارش دادند. در پی اعلام این گزارش، ماموران کلانتری مسعودیه در محل حضور یافتند و با جسد مردی میانسال مواجه شدند. با اعلام موضوع به محمد شهریاری ـ بازپرس کشیک قتل پایتخت ـ دستورات قضایی لازم برای آغاز تحقیقات پیرامون این جنایت صادر شد. با آغاز تحقیقات مشخص شد مقتول فردی ۴۵ساله به نام اصغر است که براساس گزارش پزشکی قانونی، بر اثر جراحات ناشی از اصابت گلوله به وی جان باخته است. با جمع‌آوری اطلاعات اولیه، ساکنان آپارتمان محل وقوع جنایت مورد تحقیق قرار گرفتند و مشخص شد که قاتل فردی به نام مسعود ۳۵ساله است که پس از درگیری با اصغر و شلیک گلوله به سمت وی از محل متواری شده است. پس از گذشت چهار ماه از وقوع این جنایت، چند روز قبل مسعود که سابقه سرقت مسلحانه از یک طلافروشی در اسلامشهر را نیز دارد، در شهرری دستگیر شد و به قتل اصغر اعتراف کرد اما مدعی شد ابتدا مقتول قصد داشت به او تیراندازی کند. بنا بر این گزارش تحقیقات برای کشف علت وقوع قتل و دیگر زوایای پنهان این پرونده در شعبه اول بازپرسی دادسرای امور جنایی تهران ادامه دارد.

گروگانگیری نافرجام

■ **ایسنا:** فرمانده انتظامی زاهدان از رهایی دو گروگان و دستگیری چهار گروگانگیر در این شهر خبر داد. سرهنگ غلامرضا جعفری دراین‌باره گفت: ماموران میرجاوه شهرستان زاهدان پس از کسب خبری مبنی بر به گروگان بردن دو نفر در محل معدنی در اطراف بخش میرجاوه اقدامات خود را در سطح حوزه استحفاظی آغاز کردند. وی ادامه داد: ماموران با انجام طرح مهار و کنترل ورودی و خروجی‌ها به تعداد چهار دستگاه خودرو مشکوک شدند و آنها را متوقف کردند. جعفری اضافه کرد: ماموران در کمتر از یک ساعت دو نفر از گروگان‌ها را آزاد و چهار گروگانگیر را نیز در این رابطه دستگیر کردند. فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان انگیزه افراد گروگانگیر را اختلافات مالی با گروگان‌ها اعلام کرد و افزود: متهمان پس از دستگیری به دادسرا منتقل شدند.

اعتراف به ۵۸ فقره سرقت سیم و کابل

■ **پلیس‌خبر:** ماموران پلیس سارق سابقه‌دار ۵۸ فقره سرقت سیم و کابل در سطح شهرستان گرمسار را شناسایی و دستگیر کردند. فرمانده انتظامی گرمسار با اعلام این خبر گفت: ماموران پس از اعلام وقوع یک فقره سرقت سیم وکابل برق به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، پیگیری موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. سرهنگ «سیدعلی‌اکبر میری» افزود: پس از انجام بررسی‌های اولیه، تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی آغاز شد تا اینکه عوامل انتظامی پاسگاه لجران گرمسار، فردی را هنگام انجام سرقت شناسایی و دستگیر کردند. وی ادامه داد: متهم در بازجویی‌های فنی ماموران پلیس لب به اعتراف گشود و راز سرقت‌های متعدد سیم و کابل در سطح شهرستان گرمسار را فاش کرد. میری ادامه داد: متهم که معتاد به موادمخدر است، به انجام ۵۸ فقره سرقت سیم و کابل در مناطق مختلف این شهرستان اعتراف کرد. در ادامه سرهنگ میری به برخی سوابق فرد مورد نظر نیز اشاره کرد و گفت: شش فقره سابقه سرقت، پنج فقره سابقه اعتیاد، یک فقره سابقه قتل غیرعمد و یک فقره سابقه فرار از خدمت در پرونده متهم مشاهده می‌شود.

دختر، حساب خواستگارش را خالی کرد

■ **ایسنا:** رییس پلیس فتای استان مازندران از دستگیری زنی که با سوءاستفاده از اعتماد خواستگارش اقدام به سرقت از حساب بانکی وی کرده بود، خبر داد. سرهنگ رستمی در این باره گفت: در پی شکایت یکی از شهروندان مبنی بر کم شدن مبلغ چشمگیری از حساب بانکی‌اش، دستور رسیدگی به پرونده تیمی از کارشناسان پلیس فتا داده شد. وی افزود: کارآگاهان متوجه شدند سرقت‌ها در یکی از کافی‌نت‌های استان مازندران انجام شده و در همان کافی‌نت نیز با مبلغ به سرقت‌رفته خرید اینترنتی انجام شده است. به گفته رستمی، ماموران پس از شناسایی و کشف آدرس متهم که یک زن بود و دریافت دستور قضایی مبنی بر دستگیری وی تیم عملیات ویژه پلیس را به محل فرستاده شدند. رییس پلیس فتای مازندران با بیان اینکه متهم پس از دستگیری، به مقر پلیس ارجاع داده شد، گفت: وی پس از رودررویی با ادله و مستندات پلیس لب به اعتراف گشود و معترف شد شاکی خواستگارش بود که با سوءاستفاده از اعتماد وی، کارت عابر بانکش را برای خرید از او دریافت و به‌طور پنهانی رمز دوم کارت را فعال کرد و در زمانی که می‌دانست مبلغ مورد نظر در حسابش موجود است دست به سرقت زد.